

چون سیاستمدارید می‌پرسم اینکه جهاد در هر دوره‌ای یک معنی خاص می‌دهد یعنی چه؟

جهاد زمانی معنی و مفهوم پیدا می‌کند که در مقابلان یک دشمنی قرار گرفته باشد. طبیعتاً دشمنی که آن روز در مقابل ما ایستاده بود تمام قد مسلح و دارای امکانات بود. یعنی یک جنگ که فقط یک مترسک به عنوان یک جسد عراق با سرگردی صدام باشد، نبود بلکه یک جنگ تمام عیار بین‌المللی بود، اما متأسفانه به آن پرداخته نشد. بعد از آن جهاد دیگری در روبرویمان قرار گرفت به عنوان جهاد علمی که برای کسب علم وارد سیستم دانشگاه شدم. این هم یک جهادی بود که پایه گزارش دفاع‌مقدس بود. کم‌کم در این عرصه دانشگاه با گروه‌های مختلف فرهنگی –

اجتماعی و سیاسی آشنا شدم و تقریباً از سال ۸۹ هم به صورت جدی با بسیج سازندگی آشنا شدم. اینجا هم باید جهاد را تعریف کنیم. به طور کلی باید بگویم عرصه نظامی دیگر تمام شده بود و اینبار جهاد سازندگی می‌باید برقرار گرفته بود که در درون است و عدم توجه و متأسفانه کم‌توجهی سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها به وظایفی که داشتند باعث شد به فرمان مقام معظم رهبری ما یکبار دیگر برگردیم به گفتمان انقلاب اسلامی و آن را زنده نگه داریم که یکی از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی محرومیت‌زدایی است.

پس اینطور برداشت می‌کنم که به عقیده شما امروز جهاد سازندگی جبهه تان است

بله، امروز جهاد ما، جهاد سازندگی است و در مقابل ما محرومیت و فقر، عدم عدالت و عدم توزیع درست ثروت در میان مردم قرار دارد. از آنجایی که مردم ما بیشترین شکایت شان در دولتهای مختلف کم‌توجهی به مناطق محروم و کم‌توجهی به پاره‌نگان بود که اتفاقاً اینن انقلاب بار اصلی اش روی دوش پا برهنگان، کشاورزان، کارگران و روستاییان بوده و بیشتر شکایت‌شان عدم توزیع عادلانه ثروت و بحث عدم عدالت در مناطق محروم بود. اینجا معنی و مفهوم دشمن اصلی ما محرومیت بود باید با محرومیت و کم‌توجهی در در اصل بگویم با محرومیت فرهنگی، محرومیت اجتماعی و اقتصادی مبارزه می‌کردیم و همین باعث شد در مسیر جهاد سازندگی قدم بردارم.

اما شما سیاستمدار هستیندر اردو‌های جهادی چه کار می‌کنید؟

سیاستمدار که نه، اما از آنجا که حوزه من حوزه سیاست بود، خیلی در آنجا عموماً با عرصه جهادی فعالیت‌م داشت، ولی من به صورت جدی وارد این عرصه شدم. با دانشجویان در روستاهای مختلف و مناطق مختلف از استان ایلام به سه منطقه هیلان که از نظر اقتصادی و از لحاظ فرهنگی در سه شهرستان چارولد است فعالیت می‌کردیم. حدود ۶۵–۶۰ درصد مردم این شهرستان محروم و تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی بودند. وقتی وارد این شهر می‌شوید عدم توجه به کشاورزان و صنایع خرد این منطقه مشهود است چراکه اگر به آن نگاه کنید می‌شد می‌توانست امروز به عنوان یک قطب تولید ثروت و یکی از مناطقی باشد که اقتصاد مقاومتی در آن معنی و مفهوم پیدا می‌کند اما متأسفانه این عرصه باعث محرومیت بیشتر مردم منطقه شده است. ۱–۱۵ سال پیش یک سفر به آنجا رفتم و در ایام تابستان با ۸۳ نفر دانشجویی که نام تمام آنجا در عرصه‌های مختلف، فنی، معماری، پزشکی، علوم انسانی… کار کردیم. در این اردو، هم اساتید دانشگاه بودند و هم دانشجویان، رئیس دانشگاه هم ۱۰ روز با ما همراه بود. شاید در آنجا عموماً مردمی تحت پوشش صحبت از بسیج سازندگی می‌شود همه به دنبال کار عمرانی هستند. درست است که یکی از شاخصه‌های کار ما عمرانی است اما اصل موضوع بنای یا بازگشت به گفتمان انقلاب اسلامی است، من فکر می‌کنم یکی از نیل‌ساز امروز ما به عنوان انصران جنگ نرم با این اقدامات برای مناطق محروم ذکات علم شان را بدهند و با پایه‌های اصلی این انقلاب آشنا شوند و مردمانی که باید به آنها توجه می‌شد و نشد را دیده و در زندگیشان و پستیهای آتی به آنها توجه کنند.

من فکر می‌کنم یکی از شاخصه‌هایی که امروز در عرصه بسیج سازندگی متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده بازگویی آرمانهای انقلابی است. جالب این است وقتی ما وارد روستای هیلان، شهرهای بچه‌های دانشکده معماری کار خودشان را انجام می‌داندن (به عبارت انگلیسی بگویم بزاین شهری انجام می‌داندن) یک بخشی بودند که اساتید یکدمه مهندسی صنایع و مکتلیک آمده بودند، یک سری از دانشکده عمران بودند که کار عمرانی می‌کردند. تمام خیابان‌های این روستا را نقشه برداری کردند، جدول کشی می‌کردن این یک بخش بود و بخش دیگر که مهمترین بخش بود آگاهی‌بخشی گفتمان انقلاب اسلامی برای مردم بود. مردم محروم مرتزقین که کارشان خیلی سخت و طاقت‌فرسا با درآمد کم بوده است.

کم‌توجهی می‌کردند؟

بله برخی کم‌توجهی می‌کردند. از یک جوانی سوال کردم که شما چه کار می‌کنید؟ گفت من یک ماه می‌روم آن طرف مرز وسیله می‌آورم اینجا و یک سال می‌خورم به این عبارت ما سال اول که رفتم همین جوان شروع کرد به سپرورش مرغ خراگ بچه‌های دانشکده کشاورزی به اینها دیده دادند و به این عرصه وارد شدند و شروع کردند این بود که منطقه آب‌های هرز و سطحی زیاد داشت باید به صورت زه کشی یا کانال‌کشی یک جایی جمع می‌شدند، بچه‌های عمران آمدند این کار را کردند و یک سد خاکی زدند و آن منطقه که در هنگام بارندگی هدر می‌رفت آنجا جمع کردند، کشت غالب این منطقه ذرت بود، مردم به علت عدم داشتن آب کافی چون ذرت هم از محصولاتی است که به آب کافی نیاز دارد از کشت بازمانده بودند و با این سد تا حدی نیازشان برطرف شد. دوباره همین بچه‌های دانشجو آمدند مردم را قانع کردند با گدغه شب‌نشینی، یک بحثی در فرهنگی داشتیم گدغه می‌گرفتم، می‌رفتم شب میهمانی این کار را در آنجا ترویج دادیم و بچه‌ها گروه گروه تقسیم می‌شدند. می‌رفتم منزل روستاییان ۴۵۵ جهادی می‌بودم، پدر و مادر خانواده از قدیم‌های صحبت می‌کردند از آنجا شروع می‌کردیم که نقطه مثبت آنجا جلاکست آن نقطه مثبت که پیدا می‌شد می‌ددیم که ۳۴ ساعت جلسه طول می‌کشید، اما اول یک ارتباط گرفتیم سپس دیدیم برای ارتباط می‌دادیم؟ یعنی برای درآمد بهتر به آنها ایده می‌دادیم؟

بله، یکی از ایده‌هایی که به آن پرداخته شده بود پرورش مرغ خانگی بود. یکی دیگر تسطیح زمین‌ها بود که در آنها قول گرفتند با همکاری جهاد سازندگی و بچه‌های سپاه که دستگانه مکتلیکی می‌خواست و لوازم دیگر می‌خواست بعضی از زمین‌ها را تسطیح کردند و کشت را دوباره شروع کردند در رابطه با مسجد می‌گفتند ما از این ختم تا آن ختم در مسجد باز است، نماز جماعتی در آنجا وجود نداشت. بچه‌ها یکی از کارهایی که کردند با دعوت از پدر شهید عرصه مستسای و اقتدار هسته‌ای ما شهید مصطفی احمدی روشن که با مردم آن روستا زندگی می‌کرد، جلسات مختلف فرهنگی اعم از جشن، جشنواره مراسم مراسم یادبود شهیدا برگزار شد و برای بچه‌های جوان که شرکت داشتند شروع می‌کردیم خاطره‌های دوران دفاع‌مقدس را می‌گفتمیم. از عملیات‌های مختلف مثلاً آن جبهه میانی ما که استان ایلام است، از اقتدار بچه‌های استان ایلام در عملیات‌های مختلف فرود هوا هم وقتی باور کند که استانش در عرصه دفاع‌مقدس در این سال‌ها چه مقاومتی کرده طبیعتا به وجد می‌آید و احساس غرور می‌کند. وقتی می‌بیند استان ایلام هم در این عرصه حضور داشته شاد می‌شود. من فکر می‌کنم که یکی

پژوهشگر دوران دفاع‌مقدس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با سیاست روز از راهکارهای حل چالش‌های کشور می‌گوید:

آتش به اختیار اقتصادی با روحیه جهادی

با روحیه جهادی خرمشهر اقتصاد هم تصرف خواهد شد

از کارهای مناسب همین خاطر‌نشینی‌ها، آشنایی نسل جوان با جانفشانی‌های دوران دفاع‌مقدس است.

این تعریف‌ها اگر به واسطه مردم همان زمان باشد بیشتر می‌تواند تاثیر داشته باشد. چراکه آنها آنچه را که دیده بودند بدون واسطه بیان می‌کردند و وقتی یک نفر می‌خواهد موضوعی را بشنود از زبان خود بچه‌های دفاع‌مقدس بشنود تاثیر بیشتری دارد. در این مسیر اصل موضوع اینجا بود که با برگردیم به آن گفتمان انقلاب اسلامی یک یارگیری دیگر انجام دهیم که وارد این عرصه شدیم.

در حقیقت می‌توان اینطور گفت که شما در بحث فضای ایدئولوژیک وارد شدید و می‌خواستید روی ذهن‌ها اثر بگذارید. یک نکته‌ای را من بگویم جالب است که ۲۳ روز این بچه‌ها من را نمی‌شناختند من یاد شهید چمران می‌افتم در رابطه با این موضوع، شهید چمران به عنوان یک استاد مبارز و به عنوان یک فرد اخلاق عملی در جامعه ما چه در ایران و چه در خارج از کشور مطرح است. من به دوستانی که مرا دعوت کردند گفتم خواهش می‌کنم که من را معرفی نکنید ۲۳ روز عین کارگر و بنا کار می‌کردم صبح لباس کارگری می‌پوشیدم و فرعون می‌گرفتم و کار می‌کردم بعضی از روزها ۲ بار لباسم را می‌شستم از پس که از میزان عرق ششوره زده بود. کلاهی را که من برده بودم که مردم مرا نشناختند ۲ بار می‌شستم ظهر که برای ناهار نمی‌امدیم و شب که از کار برمی‌گشتم بچه‌های رفتمند حمام می‌کردند و برمی‌گشتمند. ما در یک مدرسه مستقر بودیم بچه‌های‌رفتمند لباس می‌شستند. ۲۳ روز به‌ما چرا نشناختند. می‌خواستیم ببینیم که واقعاً فرمانده گردانی که شب عملیات والفجر ۸ لب آرونند روز گفت بچه‌ها اینجا من با شما کانالی و خدا هستم چه معنایی داشت. در آنجا یادم افتاد آن فرماندهایی که در منطقه عملیات ایستاده بود آنجا هدایت می‌کرد اجباری در پیش نبود گفتم اینجا، آنجاست، اینجا یک رودخانه‌ای به نام جهل و رودخانه‌ای به نام محرومیت وجود دارد و من در کنار آن ایستاده ام ۲۳ روز کلتگ می‌زدم، بیل دست می‌گرفتم، ماسه می‌پردم، اجر می‌بردم، یکی از دانشجویان خیلی جالب است می‌خواستند کتیسه سیمان بیاورند. ۲ نقری گرفته بودند منن را صدا کردند گفتند حاج آقا شما می‌توانید این را ببرید گفتم بگذارید روی کول من تا برم، آنها هم نامردی نکردند ۲ کیسه روی کول من گذاشتند.

خب ببینید این خیلی جالب است بچه‌ها بعد از روز ۲۳ فهمیدند که من استادشان هستم و هفت روز باقی مانده از آن کارهایی که به من داده بودند خیالت می‌کشیدند اما بعد از ۲۳ روز که ما شناخته شدیم نمی‌گذاشتند دیگر من کار کنم و می‌خواستیم کار را شروع کنیم گفتم اینجا بهترین کار است ارتباط فرهنگی است، رقتم در آتشپزخانه سیب زمینی پوست می‌کندم پادمجان سرخ می‌کردم، غذا درست می‌کردم، برنج آکیش می‌کردم، ظرفی‌ها را می‌شستم اصلاً این طور نبود که من به عنوان یک فرد شناخته شده ام پس کار نکنم.

حتی دوستان دیگر که از اساتید آمده بودند هم همینطور، مثلاً بچه‌ها ظرف می‌شستند، ما اسطه جارو می‌زدیم. برای بچه‌هایی که می‌خواستند بیایند آب خنک درست می‌کردیم. مثل دوران دفاع‌مقدس در مدرسه‌های ایستگاه صلواتی درست کرده بودیم تقریباً شبیه سازی کرده بودیم ایستگاه صلواتی جاده فنقد جزیره مجنون جنوبی آن منطقه چون کشت غالبشان ذرت بود با شاخه‌های ذرت و نی‌هایی که آنجا بود آورده بودیم و یک ایستگاه صلواتی درست کرده بودیم و گونی گذاشته بودیم و روی آن نوشته بودیم هر کس که عاشق امام زمان(عج) است صلوات بفرستد، شربت ایلیمو درست می‌کردیم یا مثلاً خانواده‌هایی که در روزهای آخر بچه‌ها را جذب کرده بودند نان‌هایی درست می‌کردند مانند کلوچه که آنها به آن می‌گفتند توتک شیرین بود یک مقدار ماست و خامه می‌آوردند آنجا می‌گذاشتند ما آنها را آماده می‌کردیم تا بچه‌ها استفاده کنند یک روز می‌گذاشتند ما این کار را انجام دهیم و کارهای دیگر را انجام می‌دادم مثلاً تمیز کردن اتاق، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و … در عین حال سعی می‌کردیم فضا شاد باشد برای ادامه در روزهای بعد.

فقط یک ماه آنجا بودید یا اینکه هنوز آثار تان را حفظ کرده‌اید؟

۳ سال است که مرتب ما داریم آنجا می‌رویم. با همه دانشجویان ارتباط داریم. یک گروه جهادی بساختیم آنجا که همین را ما آمدمیم در بدنه در استان کهگیلویه و بویراحمد و شهر گونبدان یک منتقلی‌ای است به نام توره که با ماشین نشین حدود ۱۵ کیلومتر از سر جاده می‌شود رفت و بقیه را بر باید ما لرو و بچه‌ها، بچه‌های جهادی رفتند و آنجا جاده هم درست کرده‌اند یکی از ایده‌هایی که توسط خود روستاییان در آن روستا پرداخته شده است احداث مزرعه پرورش ماهی قزل‌آل بود. چون آب فراوانی از ارتفاعات منطقه بلقیس می‌آید. استخرهای بزرگ درست کرده‌اند و دارند پرورش ماهی انجام می‌دهند.

شما به توجه به اینکه استاد علوم سیاسی هم هستین، در اردو‌های جهادی با رگ و ریشه‌های فرهنگ‌هایی که دارد وارد اردوها در مناطق جهادی با این مسایل روبه رو شدید؟

به لحاظ بافت جمعیتی و بافت مذهبی دور تا دور منطقه جغرافیایی کلّی می‌توان گفت که در این منطقه مختلف مذهبی هستند، یکی از فرقه‌هایی که در این فرقه‌های بیشتر فعالیت را داشته فرقه اهل حق بودند من به یکی از آنها گفتم که چرا اینقدر سبیل سیمان بلند است یک ریشه‌های از درواش بودند) گفت کار خودت را بکن ما در آنجا مسئول کار برقی بودیم یکی از اهالی آمد گفت شما آمدیاید اینجا کار کنید. گفتم آخر سبیل‌اش خیلی بلند است نماز هم که نمی‌آید چه خبر است. گفت ولش کن کاری به کارش نداشته باش. خلاصه من خیلی به این فرد پیچیدم و ۳۴ روز با آن درگیر بودم. در آخر گفت ما از آن فرقه‌هایی هستیم که در ماه رمضان ۳ روز روزه می‌گیریم ۲۱–۱۹۶۰ رمضان شهادت امیرالمؤمنین گفتم این سبیل بلند نشانه چیست؟ گفت که بزرگ ما گفتم این جور نباشید. فهمیدم که این چیزی نمی‌داند فقط شکل و قیافه خودش

نهایت فراموش کنیم خیلی از دولتمردان

کشور ما دچار تخریب شدند یعنی در طول دوران گذر انقلاب خسته و خموده و دچار روزمرگی شده‌اند و از آفات یک انقلاب آن است که انقلابیون آن دچار مرگ تدریجی شوند و متأسفانه بعضی هم قلب مریض پیدا کردند و منظور این است که مرض قلب دارند و دائم در جدول طراحی شده شیطان بزرگ برای جلوگیری از حرکت انقلاب بازی می‌کنند

سیاست روز



استان انجام شد به بحث فرهنگیشان کمک شد. مسئول بسیج سازندگی استان به نام ترکاشوند که فردی بسیار فعال و خوش فکر است، فردی را در بسیج سازندگی دانشجویی گذاشته به نام نظری اولین کاری که کردیم آمدمیم تقریباً نقطه گذاری کردیم، بعد سه‌ویژه‌ای کردیم در درون استان که روستای زرین‌آباد یکی از آن روستاها است. تابستان ۹۶ که گذشت یک کار بسیار موفق‌ی انجام شد از دانشگاه خوارزمی، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد و پیام نور از این دانشگاه‌ها بچه‌هایی که داشتیم در گروه‌های مختلف پزشکی، پیراپزشکی، دندانپزشکی، علوم انسانی، علوم فنی و علوم ریاضی و حتی معماری بچه‌های خواهر و برادر را جمع کردیم در گروه‌های مختلف و جداگانه در روستاهایی را که زرفته بودند تجربه روستاهایی که رفته بودیم مثل هلیلان و توره آمدمیم در آن روستاها اعمال کردیم اولین کاری که کردیم برای بهسازی روستا خیابان‌ها را شروع کردیم که خیلی نظر خوبی داشت، مردم این منطقه مستحق گنابروبری نبودند مستحق آن بودند که درون را بشوند به درون نگاه کنند که این اقتصاد مقاومتی را درست‌ترین شرایط زندگی کنند.

فضاهای اجناس کوبنی وجود داشت اما یکباره همه‌ی فضا را باز کردیم شما وقتی دارید فضای اقتصاد و بازار جهانی را ترویج می‌کنید یعنی مردم مصرف‌گر باشند. مردم روستایی ما جوروی مصرف‌گرا شده که نان‌اش را می‌فروشند و می‌رود در شهر زندگی می‌کند تخم‌مرغ‌اش را می‌رود از شهر تهیه می‌کند خب این معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند یکی از کارهایی که بسیج سازندگی که حوزه معاونت دانشجویی انجام داد. امدهایم در همین روستاها مثل زرین‌آباد و احمدآباد مردم را در چند حوزه فعال کردیم، پرورش مرغ، گلیم‌بافی، پرداخت نان‌های محلی.

مشتری را از کجا برای اجناسشان پیدا کنند؟ جالب است آنها را بسته‌بندی می‌کنند و می‌آورند در شهر می‌فروشند. اصلا نان احمدآباد معروف است. نان خشک را بسته بندی می‌کنند و الان در مغازه‌ها می‌فروشند. تخم‌مرغ رسمی را دارند در خیلی جاها می‌فروشند دیگر تخم‌مرغ ماشینی در آنجا نیست تخم‌مرغ رسمی‌است این اتفاقات خوبی است یعنی همان مناسبت اقتصاد مقاومتی است یعنی مردم ما مقاومت می‌شوند در مقابل تمام تهدیدات. روستایی فعال می‌شود، جوانش فعال می‌شود. یکی از کارهایی که در احمدآباد انجام شد پرورش بلدرچین بود. الان تخم بلدرچین روستای احمدآباد را دیدم در استان البرز می‌فروشند این کارها اتفاقات میمون و مبارکی است. در صورتی که من توحه شد و در یک جا نماند که می‌شود آب را کند.

شما چون علوم سیاسی هم خوانده‌اید کمی سیاسی تر از شما بپرسم تصور اولیه مردم ما این است که اگر امکانات به آنها نرسد دولت به آنها نرسانده و اگر امکانات برسد دولت رسانده است. حالا شما که یک سری گرفتاری ممکن است داشته باشید ممکن است با این دولت خوب باشید یا خوب نباشیند. یا با دولت بعدی بد باشد یا بد نباشد. آیا تغییر دولتها تأثیری بر روی کمک رسانی در روستاها دارد یا تأثیر نمی‌گذارد. منظور این است که متلا در دولتی که به سلیقه تان نیست نمی‌گویید حالا من بروم کاری انجام بدهم و بگویند دولت برای انجام آنها داد و به اسم دولت باشد. این اسم برای شما مهم بود یا نه؟

واقعیت این است است که به این چیزها فکر نمی‌کنم. اگر همه دولتمردان و همه دولتی‌های ما به قانون اساسی پایبند باشند و می‌بوندن الان همه چیز بهتر شده بود و توزیع ثروت بهتر شکل گرفته بود. در اتفاقی افتاده که مردم ما به یک اندیشه و به یک تفکر رای می‌دهند. وقتی این اندیشه و تفکر تاکار آمد نشان داده می‌شود مطالبه شان را در خانه دیگری می‌برند. چرا چون ما قانون اساسی‌مان رزومه کاری‌مان را درست و علنی نشان نمی‌دهیم. تئوری را کار نداریم. من روزی که از دفاع‌مقدس جدا شدم الگوی شده شهید چمران. پوست من شده شهید عباس دوران الگوی من شده شهید محمد باقری من شده شهیدای دیگر شما توجه کنید اینجا کسانی بودند که بیسواد نبودند. می‌خواهم بگویم شهیدای مانند زین‌الدین فرزند من بوده من در آغوشش رفتم و گرمای وجودش را گرفتم. فرغ چهارم دانشگاه سورین فرانسه بود فرغته بود. این بالاتر از دانشگاه علوم پزشکی از دانشگاه تهران بود. اما چه انتقادی می‌افتد که برمی‌گرد به اینجا جواب شما را می‌خواهم یا چه موضوع بدهم که ما در میدان دولتمردانمان (عضو هیات دولت) جا نینداخته‌ایم که ما فردی هستیم تکلیف محض.

این واژه تکلیف‌مداری را زیاد شنیدیم اما شاخصه تکلیف‌مدار واقعی …
واقعیت تکلیف‌محور چه کسی است چند تا شاخصه دارد زمان‌شناس است، ظرفیت‌شناس است، دشمن شناس است و از این بالاتر امام شناس است که اینها را بتواند به همدیگر ببیند بدهد. اگر یک دانشجوی امروز در عرصه جهاد سازندگی را اردو دارد می‌رود آن فرد تکلیف‌محور است زمانه‌اش را امروز شناخته است آن زمانه دیگر نیست که برود در خط پدافندی آروند بایستد. امروز خط پدافندی او کف کلاس دانشگاه است. کف مجموعه محرومیت‌زدایی است، کمک کرد که گفتمان انقلاب اسلامی است. من و دیگر دوستانمان با این هدف رفتمی که کدام کار در جریان جمهوری اسلامی زمین مانده که می‌تواند به پیش بر د و انقلاب انقلاب اسلامی و جمهورییت و اسلامیت این انقلاب کمک کند کدام کار است برویم آنجا.

منافع عمومی را در نظر می‌گرفتید؟
یک نگاه کوچک به دانشگاه‌های علوم سیاسی بیندازید گاهی آنجا لازم است که یک سری جهادها اتفاق بیفتد بعضی از افراد بدون هیچ زمینه‌ای وارد دانشگاه می‌شوند و یک سری تفکرآتی روی آنها تأثیر می‌گذارد که تفکرات عجیب و غریبی صحبت می‌کند که چرا در دانشگاه و در چنین سطحی مطرح می‌شود. مشکل ما این است که آنها به صحبت امام مسلمین گوش نکرده‌اند.

علوم انسانی نیاز به یک تحول اسلامی دارد وقتی من به عنوان یک معلم تنها اندیشه‌های خاک خورده هانتینگتون که بعد از چهل و چند سال روی زمین مانده، تدریس می‌کنم و نمی‌پردازم به آیه ۱۹۲ سوره آل عمران که خدا در این آیه می‌گوید پیامبر فراموش نکن قوم یهود فقط می‌تواند بر گروه شهروندی در زراعت و تجارت

تسلط داشته باشد هیچ منصب سیاسی نمی‌تواند داشته باشد به نظر شما این آیه سیاسی نیست. ما آمده ایم که یک بار دیگر برگردیم به جریان سیاسی اهل بیت و سیاست‌های امیرالمؤمنین که به معاویه می‌گوید معاویه اگر روزگار خنده و نیرنگ باشد من از تو استادم تر آن وقت استاد ما می‌رود در دانشگاه سورین فرانسه اندیشه‌های (دکارت و اشلال آن را می‌خواند) طبیعتاً من هم به عنوان یک بچه مسلمان باید بشنیم پای این بحث ها.

باز هم سیاسی تر شویم، راهکار خروج کشور از وضعیت کنونی را چه می‌دانید و چگونه می‌توان این مهم را محقق ساخت؟
برای برون‌رفت از این وضعیت باید به تشکیل قرارگاه‌های اقتصادی که مقام معظم رهبری چند سال پیش در خصوص موارد فرهنگی فرمودند برگردیم و گروه‌های خودجوشی که در حوزه فعالیت اقتصادی مبادرت به راه اندیشه کردند به عنوان گروه آتش به اختیار میدان شده و در ایسن وضعیت گروه‌های آتش به مرکزی به میدان آمده و با نظر گرفتن فرامین مدرسین علم اقتصاد برای تنظیم نقشه راه اقتصاد مقاومتی برای حفظ آرامش و باز گرداندن امید به کف جامعه تلاش کنند.

برای برون رفت راهکار دیگری که می‌تواند مطرح باشد به روحیه جهادی فرمانده‌ان دوران دفاع‌مقدس خصوصا تفکرات شهید والا مقام چمران و حسن باقری… و که وقتی خبر به شهید چمران رسید که در سخن درحال سقوط است او در جواب گفت: باید یاد خورد و اندیشه سوسنگرد را محکم نگه‌داریم چراکه اگر خرمشهر سقوط کرد می‌شود دوباره پس گرفت اما اگر خوزستان سقوط کند یی شک ایران و انقلاب اسلامی سقوط خواهد کرد و وقتی برای تصرف خرمشهر اقدام می‌شود دو عامل در جریان عملیات قرار دارند: ۱- تک‌گویی خرد و علم شناسایی‌ها و

تجربه گذشته ۲- ایجاد وحدت، همدلی و یکپارچگی.

مبداان‌داران عرصه اقتصاد چگونه می‌توانند تحقق بخش خروج کشور از وضعیت کنونی باشند؟

در حوزه اقتصاد اگر میدانران این عرصه تلاش و همت مضاعفی کنند و از فرهنگ ایثار و شهادت بهره‌گیری کنند تک

نکتیم خرمشهر اقتصاد هم تصرف خواهد شد و یا این جد نشاط انگیزه و روحیه جهادی این مهم محقق خواهد شد.

بنظر من در حوزه تحلیل وضعیت کشور بایستی به خیلی از موارد پرداخت ملاحظا حوزه مدیریت در خیلی از موارد مدیریتی، مدیریت تخصصی کشور بیرو تاریخ گذشته غربی است اگر در حوزه تصمیم یک مدل اقتصادی در طول این ده دوازده دوره مجلس همین افرادی که از مردم برای رای گرفتن خود را استنادت علم اقتصاد معرفی می‌کردند و اگر در وجودندنده ذری‌ای از اندیشه افراد انقلابی و انقلابیگری توجه داشتیم یی‌شک برای این روزها مشکل اقتصاد اسلامی را تدوین می‌کردند که در قبسال اقتصاد لیبرالی غرب حرفی برای گفتن داشتیم و با طراحی اقتصاد مقاومتی و سند ۱۴۰۰ می‌توانستیم یک مدل اقتصادی اسلامی در درون کشور داشتهیم و برای مبارزه در جنگ اقتصادی برای خودمان و سایر کشورها الگو می‌شدیم و فراموش نکنیم عامل شده توسط افراد مخالف قران اسلامیت انقلابی اسلامی، خیلی از افراد نسیب مردم را اندیشه و تفکر اسلامی ما متأسفانه خیلی از افرادی که پسای صندوق‌های رای آمده بودند با علم به اینکه دولت تدبیر و امید در حوزه مدیریت کملا بی تدبیر است و اگر جلوگیری گذر انقلاب از چهل سالگی رای داند.

این مسئله قضاست تکبیم چنین رویکردی را در میان دولتمردان کمتر می‌توان دید؟

نهایت فراموش کنیم خیلی از دولتمردان ما دچار تدریج شدند بعد در طول دوران گذر انقلاب خسته و خموده و دچار روزمرگی شده‌اند و از آفات یک انقلاب آن است که انقلابیون آن دچار مرگ تدریجی شوند و متأسفانه بعضی هم قلب مریض پیدا کردند و متظور این است که مرض قلب دارند و دائم در جدول طراحی شده شیطان بزرگ برای جلوگیری از حرکت انقلاب بازی می‌کنند.

این روزها سאלروز قطعنامه ۵۹۸ است به نظر شما چگونه می‌توان از درس‌ها و تجربیات آن دوران برای حال حاضر بهره گرفت؟

این روزها را باید برای مردم خصوصا نسل جوان تبیین کرد این روزها یاد آور پذیرش قطعنامه ۹۸۸است که امام سیدروح‌الله آن را علی‌رغم بد اخلاقی‌های خیلی از مسئولین پذیرفتند.

این روزها ارتش به اصطلاح آزادی بخش کاسه‌سلیس غرب و وامدار جنایتکاران با جمع کردن نسل جوان در حال تحویل و قریب خورده ایرانی در خارج از کشور با هدایای ارتش بعث عراق و کشورهای مدعی رعایت حقوق بشر با تمام امکانات به کشور خودشان حمله کردند که البته اینن کار در زوایای مختلف قابل بررسی است که متأسفانه دست‌های در کار است که اجازه کالبد شکافی آن را نمی‌دهند یکی از آن ابعاد ایجاد جنگ روانی است که برای آن کشت جان جوان قریب خورده در پاکگان اشرف ارتش بعث عراق درست کرده بودند در جریان عملیات مرصاد که در استانه سאלروز آن حماسه ماندگار هستیم فردی را دستگیر کردیم که می‌گفت در سال ۱۹۸۳ برای درون خود خواندن در رشته دندانپزشکی می‌گفت یک کشور زوایای رقتی در دانشگاه با فردی آشنا شدم که نماز اول وقت می‌خواند و خیلی مجذوب رفتار او شدم تا اینکه یک شب برای شام من در دعوت کرد به پانسین‌بوش. اما آن شب من منزل تمام نشب و نماز صبح خواندم از او پرسیدم چرا در پانسین نماز نخواندی؟ در جواب گفت دوست داری عضو یک تشکیلات اسلامی شوی؟ خلاصه من نخواستند چند شدم و الان اینجا هستم و در پاکگان اشرف به ما گفته بودند شما پایتان به همدان برسد تمام مردم از حضور شما استقبال می‌کنند و تا تهران در کنار شما هستند و متأسفانه این جنگ روانی در این روزها هم در میان مردم از طریق فضای مجازی رشتی است که در مردامها اتفاقاتی در حوزه اقتصاد رخ خواهد داد و مردم ایران گرفتارتر می‌شوند و نباید فراموش کنیم ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش با تمام وعده و وعید آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپایی دست به اقدام زه‌ما نفس مسیحایی امام سیدروح‌الله نقشه آنها را نقش بر آب کرد و بی‌تدرید باید یکبار دیگر به درس‌آموزی فرهنگ دفاعی آن روزها برگردیم و برای میدانر دولتی یک کارگاه توانمندسازی مدیریت جهادی برگزار کنیم. یک خاطره از شهید احمد اسحاقی بگویم.

احمد متولد سال ۴۸ و شهادت در سال ۶۵ عملیات کربلای ۵ و در وصیتنامه خود نوشته است: بعد از سلام به امام زمان(عج) سلام بر نایب بر حق او امام خمینی، پدر و مادر، شما برای من سلیب زحمت کشیدید. بعد بر برابر ستار علیپور به‌دکارم ۵۰۰ریال به فاتح، یک نوار کاست به دانش ستار و چند جلد کتاب به ستار آنها را از او پرسیدم و او به او هدیه راستی پدر جان در حیاط مدرسه نخواستگی به لگد به یکی از بچه‌ها زدم اسم او یادم نیست از ستار بیرس و از او برابیم حالیت بگیر التماس دعا دارم حلالم کنید.

حال ببینید برخی مسئولین برای خوردن بیت‌المال مسایفه

دو می‌دهند!

ممنونم نکته خاصی دیگری مانده؟

نه ممنونم که شنیدید، امیدوارم تسعدا دیگران بی‌دعا بیشتر شود.